

تصویب کلیات لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز

رئیس ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز با بیان اینکه کلیات لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز تصویب شد، گفت: «تمرکز ما بر مبارزه هوشمندانه با قاچاق سازمان یافته است.» به گزارش «فارس»، علی موبدی خرم‌آبادی در نشست علنی روز چهارشنبه ۲۳ خرداد مجلس شورای اسلامی در جریان بررسی لایحه اصلاح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز با بیان اینکه در حوزه مبارزه با قاچاق کالا و ارز بهترین کار تیمی در زمان بررسی این لایحه صورت گرفت، گفت: «با تصویب این لایحه، راه مبارزه با قاچاق کالا و ارز هموار می‌شود و این لایحه ما را به اهدافمان می‌رساند.»

یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۹۷ ● شماره صد و پنجاهوشش

ا ت ی و ع ه ن و



سخنرانی حسین عبده تبریزی درباره وضعیت ارزی و بانکی کشور

هیولای ارز، مولود نظام معیوب بانکی

اقتصاد ایران، یکی مشکلات حوزه بانکی و دیگری مشکلات ارزی بوده است. به عقیده من، بخش اعظم مشکل ارز هم از دل ناکارآمدی حوزه بانکی کشور بیرون آمده است. در مورد نوسانات ارزی – که کماکان هم ادامه دارد- باید پرسید علت این نوسانات چیست؟ آیا تنها دلایل وضعیت موجود، تنش‌های سیاسی ناشی از خروج آمریکا از برجام و بازگشت تحریم‌هاست؟ به عقیده من، این طور نیست و برای درک ریشه‌های داخلی مشکل ارز باید مسئله را از زاویه نظام بانکی مورد بررسی قرار داد. با استناد به داده‌های مستند، متعقدم در طول حداقل هفت‌سال گذشته نرخ سودهایی که نظام بانکی پرداخت کرده به هیچ‌وجه برای بنگاه‌ها قابل تحمل و قابل رقابت نبوده است. همان‌طور که می‌دانید نرخ سود دو جزء دارد: یکی نرخ بازده بدون ریسک است و دیگری نرخ بازده با ریسک. طی هفت‌سال گذشته، نرخ بازده بدون ریسک در کشور ما به دلیل ناکارآمدی نظام بانکی از نرخ بازده با ریسک بیشتر بوده است. مردم ایران هم این معجزه را، که از نظر اقتصادی کاملاً فاجعه است، باور کردند! به همین دلیل در صنعت عده‌ای ظرفیت‌ها را پایین آوردند تا ناگزیر از پرداخت نرخ ۲۳ درصد و بالاتر به بانک‌ها نباشند. بازنشتسته‌ها و صاحبان سپرده‌های خرد هم با این نرخ سود بالاترکلیف می‌مانند، چون از یک‌سو این سود کاذب را از سپرده‌های بانکی می‌گیرند و این برای آن‌ها ظاهراً خوب است اما اگر این نرخ پایین نیاید فرزندان این افراد نمی‌توانند امیدوی برای پیدا کردن شغل داشته باشند، چون ثروتی ایجاد نمی‌شود. بانک‌ها باید در برابر پرداخت سودهای موهوم چیزی خلق می‌کردند، اما می‌بینیم بانک‌ها طی سال‌های گذشته یک‌دوم آن چیزی که پرداخت کرده‌اند را خلق نکرده‌اند. یعنی در بانک‌ها زیان سنگینی نهفته است که رقم آن هم خیلی زیاد است. بنابراین در حال حاضر بخش زیادی از سپرده‌های بانکی، زیان است. حالا چطور این زیان آفایشته شده است؟ در اوایل دهه ۸۰ وضعیت بانک‌ها به‌طور نسبی بد نبوده و دارایی‌ها با بدهی‌ها هماهنگ بوده، اما حداقل در این هفت سال اتفاقاتی افتاده که این چرخه را به هم زده است. توضیح ساده‌ان، این است که موسسات مالی و بانک‌های ناکارآمدی در اقتصاد کشور وجود داشته و آن‌ها برای زنده‌ماندن، ناگزیر از پرداخت سودهای بالا شده‌اند. در ادامه بانک‌های خوب و سالم نیز به این سو کشانده شده‌اند و به همین دلیل حتی بانکی مثل بانک ملی هم به رقابت با موسسات غیرمجاز پرداخته است. ماحصل این کار، سودهای عظیمی است که به بدهی‌های قبلی بانک‌ها اضافه شده است که بدهی‌هایی که الا‌ن بانک‌ها نمی‌توانند از آن فرار کنند. از یک طرف بانک به بدهکاران می‌گوید بدهی‌هایشان را پرداخت کنند و آن‌ها نذراند و از سوی دیگر بدهکاران مجبور می‌شوند اصل بدهی را با دریافت وام جدید و برداشتن مبلغ آن به جای سود قبلی بپردازند. یعنی چیزی ثبت می‌شود به نام بدهی، اما واقعیت ندارد و در پس آن چیزی به اسم مغازه، کارخانه، صنعت و... نیست. آنچه بانک مرکزی به نام شکاف دارایی و بدهی از آن یاد می‌کند دقیقاً همین موضوع است.

این معادله را چه چیزی متعادل می‌کند؟ جواب این است: نرخ تورم بسیار بالا. بانک‌ها هم گویا به این امید فعالیت می‌کنند که این تورم اتفاق بیفتد و دارایی‌های آن‌ها با این تورم رشد کند و جواب بدهی‌ها را بدهد. متأسفانه در این مدت زیان‌ها آن قدر بزرگ بوده که تورم در کوتاه‌مدت نتوانسته آن‌ها را بپوشاند. البته این تورم آثار اقتصادی خود را روی مردم نشان داده و پیامدهایی هم به صورت ناآرامی‌های اجتماعی داشته است. در حال حاضر در شرایطی نیستیم که مردم بتوانند تحمل تورم ۵۰ درصدی را –مانند سال ۷۴- داشته باشند. کارشناسان طی سال‌های اخیر، دنبال کاهش نرخ سود و کاهش نقدینگی بودند، ولی به هر دلیل سیاست‌ها طوری پیش رفت که حجم نقدینگی سه برابر شد و به ۱۵۵۰ هزار میلیارد تومان رسید.

چشم‌اندازی که ما در افق کسب‌وکار ایران در سال ۹۲ داشتیم چشم‌انداز بدی نبود. همه ما با امید بسیار زیادی به اینکه برجام نتیجه می‌دهد و قرار است دولتی سر کار بیاید که مسائل را درک کند و چالش‌ها را حل خواهد کرد، به آینده چشم داشتیم. با این چشم‌انداز اگر به سال ۹۲ برگردیم و شرایط کنونی را با وضعیت سال ۹۲ مقایسه کنیم، درمی‌یابیم در آن موقع شرایط بسیار خوبی حاکم بود. علت خوش‌بینی که در آن مقطع وجود داشت نه به دلیل خوب بودن واقعی شرایط، بلکه بخش اعظم آن به این خاطر بود که ما آسیب‌هایی را که در دو دولت قبل داشتیم و حتی به عبارت دقیق‌تر آسیب‌هایی را که در طول دوره ۴۰ سال اخیر کشور را در بر گرفته بود، درک نکرده بودیم.

ما در بدیهی‌ترین حالت تصور می‌کردیم با تصویب برجام به سرعت به شرایط مثلاً سال ۸۳ و ۸۴ برمی‌گردیم. حالا می‌دانیم بازگشت به شرایط سال ۸۴ تقریباً غیرممکن شده است. در عین حال شرایطی که الا ن می‌بینیم بسیار دشوار به نظر می‌رسد و فضای کسب‌وکار ایران از هر طرف با مشکل مواجه شده است. باید گفت اگر بخواهیم با نادیده گرفتن واقعیت‌های موجود و با روحیه‌ای که اکنون بر فضای عمومی جامعه و فضای کسب‌وکار حاکم است، امور اقتصادی کشور را پیش ببریم همه چیز در آینده‌ای نه‌چندان دور برای ما مسئله‌ساز می‌شود. با اتفاقاتی که در این سال‌ها افتاد اینک سرمایه اجتماعی هم خیلی پایین است. بخش قابل ملاحظه چشم‌انداز ما از بین رفته و کسب‌وکار با مشکل مواجه شده است و روحیه مردم و فعالان اقتصادی پایین است.

اتاق‌های بازرگانی در حال پیدا کردن راهکارهایی برای خروج از این وضعیت‌اند و شفاف‌شدن وضعیت برای کسانی که به دنبال برون‌رفت از وضعیت فعلی و پیش‌بینی آینده هستند، حیاتی است.

■ خطر تجربه ونزوئلا!

طبق تحلیل‌هایی که یک اقتصاددان برجسته کشور –آقای دکتر سیدمهدی برکچیان، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد دانشگاه صنعتی شریف- از وضعیت اقتصادی کشور داشته است در همان زمانی که دولت خیلی از پارامترها را برای مهار تورم در نظر گرفته و کنترل کرده، وی پیش‌بینی می‌کند، در سال ۹۷ تورم به ۱۶ درصد برسد، یعنی حتی قبل از اتفاقات اخیر و خروج آمریکا از برجام چنین پیش‌بینی از سوی این اقتصاددان مطرح شده است. همچنین چشم‌انداز وی در

مورد کسب‌وکار ایران در سال ۱۴۰۰ این است که به سمت نرخ رشد سپرده‌های ۲/۲۷ درصد حرکت خواهیم کرد. یعنی برآورد ایشان این بوده؛ اتفاقاتی که حتی پیش از خروج آمریکا از برجام افتاده، می‌تواند روی رشد سپرده‌ها که همان نقدینگی است، اثر بگذارد. با این نرخ رشد سپرده‌ها و با فرض نرخ رشد سرمایه‌گذاری ۱۰ درصد، نرخ رشد اقتصادی ۲/۲۷ درصد و تخلیه اثر نقدینگی اینباشته سال‌های ۹۳ تا ۹۶، طبق پیش‌بینی ایشان در پایان سال ۱۴۰۰ تورم محتمل ۵/۲۳ درصد است. امیدواری ما این است که کسب‌وکارها با

وجود آسیب‌های شدیدی که خواهند دید باز هم نتوانند با برخی ابزارها، خود را تا حدودی با وضعیت جدید تطبیق دهند، اما مردم عادی که حقوق بگیر هستند طبعاً فشار و نوسان را در معیشت خود درک خواهند کرد. در شرایط فعلی تقاضای کل، ضعیف است و بخش قابل توجه نقدینگی کشور هنوز روی پارامتر تورم ننشسته است، به طوری که در رفتار مردم هم دیده می‌شود، یعنی وقتی چیزی گران می‌شود، به دلیل ضعیف بودن تقاضای کل، به سمت خرید آن نمی‌روند. طبق پیش‌بینی دکتر برکچیان، ما اگر در مسیر تورم پرشتاب قرار بگیریم ممکن است دیگر نتوانیم از آن خارج شویم و اتفاقاتی که در کشور ونزوئلا افتاد ممکن است گریبانگیر ما هم شود. به عبارت دیگر به خاطر ضعف‌های زیادی که متغیرهای اقتصادی ما دارد این گونه نیست که اگر تورم ۳۰ یا ۴۰ درصد شد، بتوانیم به سادگی آن را مهار کنیم.

■ با مشکلات بانکی و ارزی چه کنیم؟

در طول سال‌های گذشته، یعنی دو، سه سال آخر دولت دهم و پنج سال اخیر دولت‌های یازدهم و دوازدهم، مسئله اصلی



کتی‌نو | ۰۵



کالبدشناسی تقابل آمریکا و اروپا بر سر برجام

در بحث خروج آمریکا از برجام و انتظاراتی که در افکار عمومی ایران درباره حفظ منافع برجام توسط ادامه مسیر با اروپایی‌ها به وجود آمده باید نکاتی را مدنظر قرار داد. نکته مقدماتی این است که خروج ایران از برجام، یعنی رفتن به سمت بروز تنش در منطقه خاورمیانه که این امر ظرفیت‌های مخاطره‌آمیز بسیار زیادی برای اتحادیه اروپا دارد. بنابراین برجام نه از بُعد اقتصادی بلکه از بُعد امنیتی هم به شدت برای اتحادیه اروپا مهم است، اما اگر شما مواضع مسئولان سیاسی اروپا را با جملات اقتصاددین اتحادیه اروپا مقایسه کنید یک شکاف کاملاً واضح مشاهده می‌کنید و وقتی به سمت اظهارات مدیران شرکت‌های اروپایی می‌آیید این شکاف قابل ملاحظه‌تر می‌شود. اساساً دو ابزار برای مقابله با خروج آمریکا از برجام توسط اروپا وجود دارد؛ یکی مذاکره و چانه‌زنی با آمریکا برای اخذ معافیت شرکت‌ها از تحریم است و دیگری اجرای مقررات انسدادی. این مقررات شامل فهرست کردن تحریم‌های آمریکا، ممنوع کردن بنگاه‌های اروپایی از تبعیت از تحریم‌ها و مجاز شمردن جبران خسارت‌های ناشی از تحریم از هر نهدی که وارد فعالیت با ایران شده است و در این مسیر بانک توسعه سرمایه‌گذاری اروپا باید به‌منظور کمک به سرمایه‌گذاری بنگاه‌ها به‌ویژه بنگاه‌های کوچک و متوسط و تأسیس صندوقی برای تضمین خسارات، اقدام کند. اگر واقع‌بینانه نگاه کنیم به نظر نمی‌رسد شناس بالایی برای دریافت معافیت از تحریم وجود داشته باشد. وزیر خزانه‌داری آمریکا هم اعلام کرد اگر چنین مجوزی داده شود خیلی تعجب خواهد کرد. واضح است آمریکا فشار حداکثری را برای گرفتن نتیجه حداکثری دنبال می‌کند، بنابراین وقتی معافیتی به نگاه اروپایی داده شود، یعنی از فشار حداکثری کاسته شده و این از سمت آمریکا بعید به نظر می‌رسد. در مورد مقررات انسداد، اولین بار این مقررات در سال ۱۹۹۶ برای مقابله با قانون داماتو مطرح شد، اما به مرحله اجرا نرسید. ضمانت اجرایی اتحادیه اروپا در این مقررات وتو بود و آمریکا هم در آن مقطع برای وتو اهمیت زیادی قائل بود، اما الا ن آقای ترامپ سعی دارد از وتو بیرون بیاید، چون وی اعتقاد دارد این نهاده‌ها به ضرر اقتصاد آمریکا بوده‌اند. نکته دیگر اینکه برای بعضی از بنگاه‌های اروپایی که در اقتصاد آمریکا فاعل هستند، تبعیت از مقررات انسداد دردسرساز است. مثلاً رئیس اتحادیه صنایع آلمان اسبرز نگرانی کرده که این مقررات برای آن دسته از شرکت‌های اروپایی که در آمریکا کار می‌کنند در صورتی که موظف باشند از تحریم‌ها تبعیت نکنند، به معنی قرار گرفتن بین دو سنگ آسیاب –فشار آمریکا و فشار اتحادیه اروپا- است. اگر با واقع‌بینی به ابزارهای اروپا برای حفظ برجام بنگریم و اینکه چقدر این ابزارها می‌توانند موثر باشند، شاید اثر آن‌ها را از طریق تعداد خروجی شرکت‌ها بعد از خروج آمریکا از برجام نتوان مشاهده کرد. بر این اساس تاکنون ۲۲ شرکت اروپایی اعلام خروج کرده‌اند و در واقع ۴۴ درصد اعلام کردند خارج می‌شوند. ۱۲/۵ درصد به شرط گرفتن معافیت در ایران خواهند بود، یعنی در کل حدود ۵۰ درصد اعلام خروج کرده‌اند.

۱۵ درصد گفته‌اند که می‌مانند و ۱۲ درصد هم هنوز اعلام موضع نکرده‌اند، بنابراین می‌بینیم شرکت‌های بزرگ در حوزه زیرساخت مثل برق، نفت‌گاز و پتروشیمی و شرکت‌های واجد محصولات دوگانه و شرکت‌های دارای سهام در بورس آمریکا و... جزء آن دسته‌اند که از ایران خارج خواهند شد. یکی دیگر از مسائلی که باید به آن توجه کنیم این است که قیمت نفت در مقایسه با سال ۱۳۹۰ که ۱۲۰ دلار برای هر بشکه بود، در حال حاضر ۶۷ دلار است. درآمد نفتی ما سال ۸۹ حدود ۱۱۰ میلیارد دلار و در سال ۹۰، ۱۲۱ میلیارد دلار بود، اما حالا پیش‌بینی ما از درآمد نفت، ۵۷ میلیارد دلار است. از سویی صندوق‌های بازنشستگی آن موقع به این وضع گرفتار نبود، همچنین بحران بانکی، محیط زیست، آب و شرایط اشتغال هم بهتر بود.

ادامه در صفحه ۱۱

بانکی کیست؟ آیا سهام‌دار است؟ اگر کل سهام‌داران ریز بورسی را محاسبه کنیم به دوهزار میلیارد تومان نمی‌رسد و در مقابل زیان‌های کلان سیستم بانکی رقمی نیست. آیا تأمین‌کننده این زیان، سپرده‌گذاران هستند؟ آیا فضای اقتصاد سیاسی کشور این طور هست که بتوان به سپرده‌گذاران چنین چیزی را گفت؟ در خوش‌بینانه‌ترین حالت شاید حدود ۱۵ درصد سپرده‌گذاران با فشار به این کار تن بدهند اما باقی خیر. بنابراین در نهایت بانک مرکزی می‌ماند و دولت که به نظر من نهایتاً جز دولت، راهی برای تأمین این زیان‌ها باقی نمی‌ماند.

■ صنعت و تولید و بحران ارز

آنچه در حال حاضر می‌تواند به شدت به بنگاه‌ها صدمه بزند این است که تصمیمات عجولانه بگیرند. برای مثال، اگر ارز دولتی ۴۲۰۰ تومان است دنبال آن می‌روند و با پُر کردن فرم ثبت سفارش، می‌خواهند دلار ۴۲۰۰ تومانی بگیرد. به نوعی باید دانست رفتن به سوی سیستم ارزی جدید با پیش‌فرض‌هایی از قبیل اینکه به تمام این ثبت سفارش‌ها از دولتی تعلق می‌گیرد، غلط است و بنگاه از آن زیان خواهد دید. از سوی دیگر معتقدم، سیستم قبلی ارزی کشور بسیار بهتر بود، چون ارز

۳۷۰۰ تومانی محدود به دارو و اقلام مورد نیاز می‌شد و بقیه موارد با دلار آزاد انجام می‌شد. اگر قبلاً در ارز پرداختی چند قلم فساد وجود داشت حالا این فساد به بیش از ۱۰۰ قلم گسترش پیدا کرده است.

به بنگاه‌های بخش خصوصی توصیه می‌کنم با تصورات غیرواقع‌بینانه در پی اجرای طرح‌های توسعه که سه سال قبل نوشته‌اند، نباشند. وضعیت ارز می‌تواند خیلی از بنگاه‌ها را ورشکست یا بدهکار کند. ما پوششی روی ارز نداریم به همین دلیل در شرایط فعلی با دست‌کاری متغیرهای اقتصادی نباید زیان برای خود ایجاد کنیم. در حوزه تجارت خارجه دیپلمات‌ها در تلاش‌اند راهی باز کنند و این راه‌ها به شرط تیزهوشی و اجتناب از اقدامات عجولانه و بی‌تدبیرانه باز می‌شود. با این تصویر کلی از اقتصاد و مطالبی که در مورد سیستم بانکی و ارز گفته شد قطعاً در پیش گرفتن مسیر اصلاحات برای اقتصاد کشور واجب است و به عقیده من، هر چه از انجام این اصلاحات سر باز می‌زنیم و بحران‌های اقتصادی را به تعویق می‌اندازیم، شرایط را در آینده بدتر می‌کنیم.

این حجم از سپرده‌ها از کجا ایجاد شد؟ این‌ها همان سودهای موهومی است که در سیستم بانکی پرداخت کردیم و حالا این پول‌های متورم دنبال ارز و سکه می‌دود و ارز و سکه جهش می‌کنند یا دنبال مسکن می‌دود و مسکن جهش می‌کند و الی آخر. بعدمی‌پرسیم چرا قیمت ارز و سکه با مسکن بالا رفته است و غافلیم که این گرانی‌ها حاصل همان پول‌هاست و هیولای بحران ارزی در دل سیستم معیوب بانکی متولد شده است. اگر نظام سیاسی کشور چنین قابلیتی داشت و شرایط اقتصاد سیاسی ما هم به گونه‌ای بود که زیان سنگین سیستم بانکی را شناسایی کنیم باید سپرده‌های بانکی را بلوکه می‌کردیم تا قیمت ارز هم پایین بیاید، اما شب عید برعکس شد و دیدیم که نه تنها به سمت خالی کردن تورم سپرده‌های بانکی نرفتیم، بلکه سود بانکی بالا رفت تا قیمت ارز کنترل شود.

■ نیازمند اجماع ملی برای اصلاح سیستم بانکی هستیم

به‌طور خلاصه باید گفت نرخ تورم حاصل سیاست پولی، ارزی و بودجه‌ای است که فکر می‌کنم غیر از سال اول، دولت حرکت زیادی در حوزه بودجه انجام نداد، چراکه امکان آن نیز فراهم نبود. در این سال‌ها بخش قابل توجه بودجه تبدیل به حقوق و دستمزد شده است. می‌دانیم تا سال

۱۴۰۰ بخش قابل ملاحظه‌ای از بودجه صرف پرداخت به صندوق‌های بازنشستگی خواهد شد که مشکلات اساسی مانند بروز تورم افسارگسیخته را ایجاد خواهد کرد. با این پیش‌فرض باید سعی در خصوص وضعیت اقتصادی کشور خصوصاً اصلاح نظام بانکی به یک اجماع ملی برسیم، چون همان‌طور که می‌دانیم اصلاح سیستم بانکی بسیار پرهزینه است. در کشورهای مختلف گاهی چند برابر بودجه کشور را برای اصلاح سیستم بانکی هزینه کرده‌اند. معتقدم وضعیت سیستم بانکی ما به مراتب از کشورهایی که چنین تجربیاتی داشته‌اند بدتر است، بنابراین هزینه‌هایی که دولت باید برای اصلاح سیستم بانکی بدهد، خیلی بیشتر است. مسئله بعدی این است که تأمین‌کننده زیان اصلاح نظام

